

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: عثمان حیدری

۰۹ سپتمبر ۲۰۱۸

یک تعریف غیر متعارف از چیزی نسبتاً پیش پا افتاده



هر شهروندی از پول استفاده می کند. روزی نیست که ما با سکه و یا اسکناس پرداخت نکنیم و یا پول به حساب واریز نکنیم و یا از امکانات پرداختی دیگر استفاده ننمائیم. ولی واقعاً آنچه که در کیف پول ماست، چیست؟ چه چیز در صندوق های بانکی ما خوابیده و پول نامیده می شود؟ این مقاله کوشش می کند برپایه وقایع اتفاقیه روزمره به این سؤال پاسخ دهد که در واقع پول چیست؟

در ابتداء این سؤال خیلی پیش پا افتاده به نظر می رسد.

پول باید چه باشد یعنی چه؟ یورو، ین. و یا دالر؟ وسیله ای برای پرداخت که ما به کمک آن مسئولیت های مالی خود را انجام می دهیم. وسیله ای برای مبادله. و شاید یک معیار سنجش؟ وسیله ای برای ذخیره سازی ارزش؟ پاسخ به این سوالات همانقدر که متعدد است، گیج کننده نیز هست.

اگر برای معرفی پول از تعریف‌های هنجاری استفاده کنیم، در اصل چیزی تعریف نمی‌شود بلکه فقط قراردادی تعیین می‌گردد. فردی که خود را ذیصلاح می‌داند، تعریفی طرح کرده و ارائه می‌دارد و خواننده این تعریف باید به آن باور کند و یا نکند. ولی قادر نخواهد بود با یک تعریف هنجاری نه با آزمایش و نه از طریق مشاهده محیط خویش آن را بیازماید.

به عکس تعاریف قابل کنترل تجربی با آن تفاوت دارد. یعنی توضیح پدیده‌هایی که انسان می‌تواند مورد بررسی قرار داده و بنابر آن درصد حقیقت آنها را تعیین کند. چنین تعریف و چنین تفاهمی برای پول باید در ادامه ارائه گردد.

پول چیست؟

تعریف پول به زعم ویکیدیا:

«پول هر نوع وسیله پرداخت و مبادله است که از طرف عموم به رسمیت شناخته شده باشد.»

در این تعریف نوع پول هیچ نقشی ایفاء نمی‌کند.

* ظاهراً تا وقتی پول به عنوان وسیله‌ای برای پرداخت و مبادله از طرف عموم شناخته شده باشد، کاملاً بی‌تفاوت است که چه نامی داشته باشد. پول، پول است.

لذا برای این که این وسیله به عنوان پول پذیرفته شود، نام آن تعیین کننده نیست. خیلی پیش‌پا افتاده به نظر می‌رسد ولی با این وجود بپذیریم که نام پول برای وظیفه‌ای که به عهده دارد، کاملاً بی‌تفاوت است. افرادی که قبل از سال ۲۰۰۱ (تبدیل مارک به یورو) به دنیا آمده اند با تجربه شخصی می‌دانند که نام پول قابل تغییر است ولی با این حال پول باقی می‌ماند.

حال اگر نام پول برای درک محتوای آن بی‌تفاوت است، پس به اشکال مختلف تجلی آن بپردازیم. اکثر مردم سه نوع پول می‌شناسند: سکه، اسکناس و پول بانکی که در صندوق حساب پارک شده است.

اگر کمی به عقب به تاریخ پیدایش پول بازگردیم خواهیم توانست اشکال دیگری از پول را کشف کنیم. مثلاً طلا و نقره به عنوان پول مورد استفاده قرار می‌گرفت. در بخش‌هایی از آسیا و اقیانوسیه و بعضاً آفریقا گوش‌ماهی به عنوان پول استعمال می‌شد. در مصر باستان در سده اول قبل از میلاد از غله به عنوان وسیله پرداخت استفاده می‌گردید. در اروپای قرون وسطا طی بیش از ۲۰۰ سال به ویژه در منطقه آلمانی زبان از «براکتتن» به عنوان وسیله پرداخت استفاده می‌گردید که سکه‌های بسیار نازک نقره بود که یک رویش ضرب شده بود. علاوه بر اینها انسان از گاو، بز، پوست حیوانات، خنجر، سنگ، نمک و امثالهم نیز به عنوان پول استفاده می‌نمود.

تاریخ پول پر از اشکال مختلف پول است. اگر این واقعیت را عاری از احساسات بپذیریم می‌توان به طور عام گفت:

* کاملاً بی‌تفاوت است که چه چیز به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرد. مهم این است که این چیز وظیفه پول را اجراء نماید. ساده ترین توضیح که چرا پول می‌تواند به هر شکلی درآید، این است که هسته اصلی پول نه طلا، نه گوش‌ماهی و نه هیچ چیز دیگری است که بتواند شکل آن را به خود گیرد.

پس پول چیست؟

پول اطلاعات است.

این تشخیص اولیه عجیب که پول قادر است اشکال مختلفی را پذیرا شود، تنها این‌طور قابل توضیح است اگر فرض کنیم که پول فقط اطلاعات است. زیرا اطلاعات بر مبنای خصلت غیر فیزیکی خود در انتقال مثلاً از فرد به فرد می‌تواند تبدیل به هر چیز قابل تصویری بشود. اطلاعات را می‌توان روی یک ورق کاغذ نوشت و از فردی به فرد دیگر منتقل

کرد. ولی همین اطلاعات می تواند شفاهی منتقل گردد که نیازمند تارهای صوتی یک فرد و گوش شنوای فرد دیگر است. اطلاعات را می توان الکترونیک مثل ایمیل منتقل نمود.

این تشخیص که پول باید اطلاعات باشد ذاتاً با آنچه که ویکی پدیا می نویسد (پول هروسیله پرداخت و مبادله به رسمیت شناخته شده است) تفاوت ماهوی دارد. چرا؟

زیرا این که پول اطلاعات است را می توان بررسی کرد. برای این کار باید سوال کنیم: پول در مورد چه چیز، چه اطلاعاتی ارائه می کند؟ و درست در این نقطه ما وارد آن بررسی تجربی می شویم که پول چیست؟ درست همانطور که توضیح دادیم که پول می تواند به اشکال مختلف درآید و تنها این شناخت که پول اطلاعات است، قادر است این وضعیت را روشن کند، اکنون نگاه کنیم که انسان ها چه وقت از پول استفاده می کنند.

اول نگاه کنیم به خانواده. وقتی دونفر از اعضای خانواده برای انجام کاری به یک دیگر کمک می کنند، به ندرت نیاز به پول دارند. همین طور بین دوستان که یکدیگر را یاری می رسانند رسم نیست که کمک های یک دیگر را با پول «پرداخت» کنند. خلاف آن در مبادله نیروی کار بین افراد بیگانه استفاده از پول متداولتر است. البته حتا اینجا هم ممکن است که این تبادل بدون پول صورت گیرد مشروط براین که بین آشنایان دور و تنها بین تعداد کمی از افراد صورت گیرد.

* فاکت: تبادل خدمات کاری بدون استفاده از پول اساساً ممکن است.

این را هرکس می تواند در محیط خانواده و یا اطراف خود بررسی کند. آیا شما در سطح خانواده به یک دیگر کمک نمی کنید بدون این که از پول استفاده کنید؟ آیا وقتی دوست شما قصد اسباب کشی دارد به او کمک نمی کنید؟ آیا برای این کار پول درخواست می کنید؟ اصلاً چرا نه؟ شما سلمانی هستید؟ شده که در مبادله با چیز دیگری، سرآشائی را سلمانی کرده باشید؟

در عین حال وضعیت هائی وجود دارد که شما بدون پول قادر نیستید وارد مبادله ای چه خدماتی و چه کالائی گردید. * اساساً میتوان تجربه کرد که هرچه افراد نسبت به یک دیگر غریبه تر باشند، مبادله خدمات کاری (بدون استفاده از پول) غیرمحمتمل تر به نظر می رسد.

حال اگر به تعداد افرادی که در جامعه وجود دارند ببینیم می توانیم ببینیم که هرچه گروه بزرگتر باشد استفاده از پول محتمل تر می گردد. چطور ممکن است که ما در گروه های کوچک به ویژه که یک دیگر را خوب بشناسند برای انجام کاری یا هیچ و یا خیلی کم به پول نیاز داریم ولی هرچه گروه بزرگتر و وسیع تر می گردد که حس اعتماد بین یک دیگر طبیعتاً کمتر است بدون پول قادر به انجام هیچ کاری نیستیم؟

درست در اینجا کلید درک ما در مورد آنچه که پول است، مدفون می باشد. سعی کنیم آن را نمایان کنیم.

راه حل معضل

فاکت: اسامی مختلف پول توضیح نمی دهد که پول واقعاً چیست. علاوه برآن پول می تواند اشکال مختلف به خود بگیرد که می توانیم با رجوع به تاریخ پول این را ثابت کنیم. چرا شکل خارجی پول بی اهمیت است؟ این را تنها وقتی می توان توضیح داد که پول را اطلاعات بدانیم. سوالی که باقی می ماند: پول چه اطلاعاتی در اختیار ما قرار می دهد؟ برای پاسخ به این سوال باید توضیح دهیم که در یک گروه کوچک (کوچکترین گروه از دو نفر تشکیل می شود) برای مبادله خدمات کاری حتماً پول لازم نیست. هرچه به تعداد نفرات گروه افزوده شود غیرمحمتمل تر خواهد بود که مبادله خدمات کار انفرادی بدون آن که چیزی مثل پول مورد استفاده قرار گیرد، بدون اصطکاک صورت گیرد.

در نتیجه سرچشمه پول ظاهراً در رابطه با بزرگی گروه‌های مختلف است. این سؤال پیش می‌آید: چه چیز یک گروه کوچک را از یک گروه بزرگ متمایز می‌کند؟ تعیین‌کننده شفافیت در مورد نتایج کاری فردی است.

* هرچه گروه‌ها بزرگتر می‌شود، شفافیت آن‌چه که افراد برای انجام کار خود مصرف می‌کنند، کمتر می‌شود.

مثلاً فرد برای پختن یک نان به چه مدت زمانی نیاز دارد، مخارج تهیه ترکیبات محصول و یا مخارج جاری استفاده از تنور چقدر است و او چه قدر باید به کارگران خود بپردازد.

و نهایتاً این اطلاعات از از گروه‌های کوچک به گروه‌های بزرگ از بین می‌رود. کدام اطلاعات؟ اطلاعات در مورد کار فردی. و درست اینجاست که پول این وظیفه را عهده دار می‌شود. در نتیجه پول در اصل نوعی جبران از دست رفتن اطلاعات است که هنگام بزرگ شدن گروه‌ها در حین کسب و کار حاصل می‌شود.

نهایتاً قدرت پول ناشی از آن است که هنوز معلوم نیست دقیقاً پول چیست. تنها چون درک نمی‌شود که پول از کجا سرچشمه می‌گیرد، تعداد خیلی از انسان‌ها برپایه درک غلط، پول را به عنوان وسیله قدرت برای تحمیل منافع فردی خود به کار می‌گیرند و از این طریق بخش‌های وسیعی از مردم را مورد استثمار قرار می‌دهند. امکانات علوم مدرن و شیوه‌های بررسی پدیده‌های قابل رؤیت بسیار پیشرفته است و از این رو شرم آور است که تاکنون از آن برای توضیح پدیده پول استفاده نشده است.

تنها دلیل آن عدم قابل سنجش کردن operationalization پول است. تاکنون پول آن طور توضیح داده نشده که بتوان آن را مورد بررسی قرار داد و درست این کمبود تعریف پول را که در اینجا صورت گرفت به پایان می‌برد.

هرچه گروه افراد کوچکتر باشد، غیرمحمّل تر است که چیزی مثل پول برای مبادله نیروی کار مورد استفاده قرار گیرد.

* هرچه گروه، افراد بیشتری را دربرگیرد محتمل تر است که این گروه چیزی شبیه پول اختراع کند تا بتواند نیروی کار انفرادی خود را بدون اصطکاک مبادله نماید.

در نتیجه پول اطلاعات است. در جامعه به اصطلاح اطلاعاتی این شناخت زیاد هم ناب نیست. در گروه‌های بزرگ اطلاعات در مورد کار انجام شده فردی از دست می‌رود و درست این خسارت را پول جبران می‌کند. این وظیفه پول است. بقیه چیزها سلطه است!

منبع: روبیکون

تارنگاشت عدالت